

بسم الله الرحمن الرحيم

فوائده وجود
امام غایب

فوائده وجود
امام غایب

درس نامه سطح 1

مهدویت: جلسه دوم

تهیه شده در موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

خوشا آنان که رخسار تو بینند سخن با تو کنند، با تو نشینند
کنار بوستان وصلت آیند ز گلزار جمالت گل بچینند

مقدمه بحث:

شروع بحث با بازی جدول

برای ایجاد تنوع در بحث، ابتدا از دانش آموزان می خواهیم که جدول زیر را در دفتر خود ترسیم و حروف مربوطه را داخل خانه‌ها قرار دهند.

ب	غ	ی
ا	ل	ح
ص	ا	ا
ن	ز	ب
ا	ی	ر
	م	ا

پس از تکمیل جدول دانش آموزان باید در فرصت زمانی 3 دقیقه بتوانند با استفاده از رمز جدول، جمله مورد نظر را بیابند.

رمز جدول: عدد 6 جمله مورد نظر: یار غایب، صاحب الزمان

شیوه پیدا کردن حروف: حرف اول را نوشته (ی) از خانه دوم شروع به شمردن می کنیم و به خانه ششم (در دور اول خانه شماره هفت) که رسیدیم حرف آن را کنار حرف دیگر قرار می دهیم و به همین صورت ادامه می دهیم تا 17 حرف کامل شود. در این هنگام دانش آموزان باید با این حروف جمله مورد نظر که همان **یار غایب، صاحب الزمان** است را تکمیل نموده و در اختیار مربی قرار دهند.

تذکر: خانه آخر که ب هرننگ سیاه مشخص شده است در شمارش محاسبه نمی شود.

سپس مربی محترم بحث را ادامه داده می گوید: بچه‌ها همان طور که می دانید بحث امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف

و غیبت آن حضرت، از صدر اسلام تاکنون مطرح است. حتی در ادیان و فرق دیگر نیز بحث منجی^۱ آخرالزمان مطرح است. از سوی دیگر این بحث که وجود امام غایب در بین مردم چه سودی دارد؟ آیا امامی که در بین مردم نیست و مردم به راحتی نتوانند او را ببینند و با او برخورد کنند فایده ای دارد؟ در این جا استاد محترم این سؤال را از دانش آموزان می پرسد:

به نظر شما ما نیازی به امام غایب داریم؟ آیا امام غایب برای ما فایده ای هم دارد؟ ... استاد محترم پس از شنیدن پاسخ بچه ها (که خودش میزان اطلاعات بچه ها را مشخص می کند) ضمن ترغیب آنان به پاسخ گویی و رعایت عدالت در توضیح وقت و تقسیم نگاه، اگر بتواند اشخاصی را که پاسخ های کامل تری دادند با جواب هایشان بخاطر بسپارد و در حین توضیح کامل درس به آن ها اشاره بکند برای تقویت روحیه و تشویق دانش آموزان بسیار مفید است.

ورود به بحث:

برای رسیدن به پاسخ باید جایگاه و نقش امام را در زندگی و عالم خلقت و وظایف و کارکردهای ایشان را مشخص کنیم تا بدانیم که امام ناپیدا، وقتی حضور فیزیکی ندارد در چه مواردی از وظایفش خلل وارد می شود.

برکات وجود امام

1- استواری نظام خلقت

دوستان من! همه شما موج های دریا را دیده اید که چگونه همه چیز را در می نوردد و فرو می برد. موج های دریا با قدرت عجیبی که دارد همه چیز را زیر و رو کرده از بین می برد. همین مثال در نظام خلقت و جهان آفرینش نیز جریان دارد. خداوند متعال نظام خلقت را جوری طراحی کرده است که وجود امام از ارکان اساسی آن است؛ به گونه ای که اگر زمین لحظه ای از وجود امام خالی شود، زمین به لرزه افتاده و وضعیت دگرگون شده و همه اهل زمین از بین خواهند رفت. (زمین آنها را خواهد بلعد). امام باقر فرمود: اگر امام معصوم برای لحظه ای از زمین فاصله بگیرد، زمین همانند دریای موج آنها را زیر و رو می کند.^۲

به خاطر همین است که وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا زمین از حجت خدا خالی می ماند، حضرت فرمودند: **لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ**؛ اگر زمین بدون امام بماند، فرو می ریزد.^۳

2- حمایت و حفاظت از دین

یکی دیگر از برکات و وظایف امام معصوم این است که جلوی انحرافات و اشتباهاتی که در دین وارد می شود را

^۱ - منجی در مذهب یهود: ماشیح؛ در مذهب مسیحیت: مسیح؛ در مکتب زرتشت: سوشیانس؛ در مکتب هندوها: ویشنو، کلکی یا کلکین؛ در مکتب بودا: بوای پنجم میتریه؛ در مذهب اسلام: مهدی موعود می باشد.

^۲ همان.

^۳ - اصول کافی، ج 1، ص 179، ح 10.

خواهد گرفت و از دین و دینداران حمایت خواهد کرد.

امام رضا علیه السلام فرمود: امام از دین خدا پاسداری و حفاظت می نماید.⁴

شیخ مفید و دفن زن حامله

در زمان شیخ مفید (ره) شخصی از روستایی خدمت ایشان رسید و سوال کرد: زنی حامله فوت کرده ولی بچه اش زنده است. آیا باید شکم زن را شکافت و طفل را بیرون آورد یا این که به همان حال او را دفن کنیم؟ شیخ فرمود: زن را با همان حالت دفن کنید.

آن مرد برگشت ولی متوجه شد که سواری از پشت می تازد و می آید. وقتی نزدیک او رسید گفت: ای مرد! شیخ فرمود: شکم زن را بشکافید و طفل را بیرون آورید و سپس او را دفن کنید. مرد روستایی نیز همان کار را کرد. پس از مدتی ماجرای آن سوار را برای شیخ نقل کردند. ایشان فرمود: من کسی را نفرستاده بودم! معلوم است که آن شخص حضرت صاحب الزمان (عج) بوده اند.

شیخ گفت: حال که ما در احکام شرعی اشتباه می کنیم "همان بهتر که فتوا ندهیم" آن گاه در خانه خود را بست و بیرون نیامد.

اما از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر (ارواحنا فداه) نامه ای برای شیخ صادر شد. مضمون نامه این بود که بر شما است که فتوا دهید و بر ماست که نگذاریم شما در خطا بیفتید. با صدور این نامه شیخ مفید دوباره بر مسند فتوا نشست.⁵

3- نظارت بر اعمال

امام معصوم شاهد بر اعمال و رفتار ما است و اعمال شیعیان خدمت ایشان گزارش می شود و در خیلی موارد برای آن دعا می نمایند و برخی موارد هم از رفتارهای شیعیان دلگیر و ناراحت می شوند.

آن حضرت در نامه ای به شیخ مفید خطاب به شیعیان می فرماید:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَأَصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ؛ ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده ایم و هرگز شما را از یاد نبرده ایم و اگر نبود (عنایت پیوسته ما) حتما سختی ها و بلاهای فراوانی به شما می رسید و دشمنان شما را نابود می کردند.⁶

البته وظایف امام منحصر به این موارد نیست و اجرای احکام الهی، نظام بخشی به جامعه مسلمانان، آبادانی دنیا و ... نیز از دیگر فواید وجود امام است.

ندیدن غیر از نیستن است

⁴ . همان.

⁵ . العقبیری الحسان، ج ۲، ص ۱۱۲.

⁶ - احتجاج، ج ۲، ش ۳۵۹، ص ۵۹۸.

نکته ی اساسی این است که ما بدانیم ندیدن غیر از نیستن است؛ مثلاً اگر کسی پشت پرده، دیوار و مانند آن باشد یا به مسافرت و مانند آن رفته باشد و جسم او در میان ما بالعیان دیده نشود؛ این بدین معنا نیست که پس او اصلاً وجود ندارد! در مورد غیبت امام زمان علیه السلام غیبت امام به معنای عدم ظهور اوست، نه عدم حضور. یعنی امروزه امام حضور فیزیکی مشخصی که همگان ایشان را مشاهده کنند وجود ندارد یا لااقل چشمانی که لیاقت مشاهده ایشان را داشته باشد بسیار اندک است، ولی ایشان حضور معنوی و قدرتمند خودشان را از راههای مختلفی بر جامعه و شیعیان دارند و مشاهده کردیم که در بیان برخی از وظایف و فواید امام معصوم معلوم شد که حضور فیزیکی امام در اکثر موارد شرط نیست.

یک سؤال

تا اینجا معلوم شد که امام زمان علیه السلام وجود دارند ولی در غیبت هستند و زمانی که خدا بخواهد ظهور خواهند کرد. حال پرسش این است که چگونه می توان از وجود امام در پس پرده بهره برد؟ گفتیم که معنای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف به معنای حضور نداشتن حضرت در بین ما نیست بلکه به معنای ظهور نداشتن و آشکار نبودن حضرت است؛ یعنی اینکه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف در بین ما است ولی ما او را نمی بینیم. و تفاوت بین زمان ظهور و غیبت تنها از جهت محروم بودن مردم از درک حضور است. و در روایات آمده است که حضرت روی فرش های شما راه می رود و با شما زندگی می کند و... ثانیاً: تنها فایده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف دیدن حضرت با چشم سرنیست؛ بلکه فواید دیگری نیز وجود دارد که بدانها اشاره کردیم.

از این رو فواید امام و نحوه بهره بردن از فیض وجودی امام از این راهها ممکن است:

1- مانند استفاده از خورشید پشت ابر

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال جابر بن عبدالله انصاری درباره چگونگی بهره گیری انسانها از امام غایب فرمود:

أَيُّ وَالِدِي بَعْنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئونَ بِنُورِهِ وَ يَنْتَفِعُونَ بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالسَّمْسِ وَإِنْ تُجَلَّلَهَا سَحَابٌ؛ آری! قسم به خدایی که مرا به نبوت برگزید! به درستی که آنان طلب روشنائی می کنند به نور او و در دوران غیبت اش به ولایت او نفع می برند، مانند انتفاع مردم از خورشید، هر چند ابر آن را پوشانده باشد.⁷

2- نظیر این تشبیه و تعبیر، از خود حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - نیز بیان شده است:

وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالسَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛ اما کیفیت انتفاع از من در غیبت، مانند انتفاع از خورشید است، زمانی که ابر، آن را از دیدگان پنهان می کند.⁸

در توفیق مبارکی که از سوی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای اسحاق بن یعقوب صادر شده

7 - کمال الدین، ج 1، ب 23، ح 3.

8 - همان، ج 2، ب 45، ح 4.

آمده است:

در بیان این تشبیه نکته‌های ارزشمندی را یادآور شده‌اند که این جا فقط به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

1. خورشید، در منظومه شمسی محور و مرکز است. امام زمان (علیه السلام) نیز در منظومه زندگی انسان‌ها محور و اساس است.
 2. خورشید، در مجموعه هستی دارای فواید بی‌شماری است که فقط یکی از آن‌ها نور افشانی است. امام زمان (علیه السلام) نیز در نظام آفرینش دارای فواید بی‌شماری است که فقط فواید اندکی از آن، وابسته به آشکاری او است.
 3. ابر، فقط چهره خورشید را بر زمینی‌ها می‌پوشاند؛ ولی هرگز زمین را تاریک نمی‌کند. پرده غیبت نیز فقط انسان‌ها را از دیدار مستقیم حضرت محروم می‌کند و هرگز مانعی بر نورافشانی او بر مردمان نخواهد شد.
 4. ابری شدن از عوارض زمین و زمینیان است، نه خورشید؛ غیبت نیز نتیجه رفتار انسان‌ها است.
 5. ابر، فقط برای کسانی مانع است که زیر آن باشند. اگر کسی بر جاذبه زمین غالب شد و از ابرها بالا رفت، دیگر ابر مانع او نخواهد بود. در غیبت نیز اگر کسی بر جاذبه‌های دنیایی چیره و غالب شد و آن سان که شایسته است، تعالی یافت، ممکن است از پرده غیبت فراتر رفته به دیدار آن خورشید پنهان نایل شود.
 6. در بهره‌مندی از خورشید، میان افرادی که خورشید را باور کرده‌اند با افرادی که منکر او هستند تفاوتی نیست. در بهره‌مندی از فواید تکوینی امام نیز بین منکر و قائل به امام فرقی نیست.
 7. فقط مردمی در انتظار راستین کنار رفتن ابرها به سر می‌برند که به فواید خورشید آگاهی کامل دارند. در دوران غیبت نیز معرفت به امام، باعث حقیقی‌تر شدن انتظار می‌شود.
 8. فقط انسان‌های نابینا از نورافشانی خورشید محرومند؛ همان‌گونه که فقط انسان‌های کوردل منکر نور وجود پیشوای معصوم و از آن بی‌بهره هستند.
- بنابراین شکی نیست که میزان بهره‌مندی موجودات از آفتاب عالم تاب در زمانی که چیزی حایل نباشد بیشتر و کامل‌تر است؛ اما این بدان معنا نیست که وجود پرده بر روی خورشید، تمام یا بیشتر بهره‌مندی‌ها را از بین ببرد؛ بلکه این مانع، فقط برخی از فواید را از میان برده یا کم می‌کند.⁹

9- در تشبیه حضرت به خورشید پشت ابر وجوه دیگری از شباهت را برشمرده‌اند؛ از جمله این که:

- 1- هنگامی که خورشید پشت ابر است، همه انتظار دارند، از پشت ابر بیرون آمده، با تابش خود بر همه طراوت بخشد. در مورد مهدی علیه السلام هم این چنین است. همه انتظار ظهور او را می‌کشند و امید دارند که روزی با شعاع وجودش به همه طراوت و شادابی را هدیه کنند.
- 2- همان طوری که خورشید پشت ابر را هیچ کس نباید منکر شود؛ چون شعاع و نور او دهر و دیار را روشن کرده است؛ خورشید وجود امام نیز با این که پشت ابر غیبت است ولی تفضلات و فیوضات آن بر انسان‌های بصیر پوشیده نیست.
- 3- ابر، فقط قرص خورشید را از دیده پنهان می‌کند، ولی نوردهی خورشید و فواید آن را برای جانداران نمی‌تواند مانع شود، غیبت امام نیز فقط حضور او را در پهنه و عرصه سیاست و اجتماع مانع است، اما فیض‌رسانی او را به خلاق و دستگیری او از درماندگان و بی‌چاره‌ها نمی‌تواند مانع شود. چه بسا کسانی با توسلاتشان از فیض وجود امام بهره‌ها ببرند و برده‌اند.
- 4- مهم‌ترین و برجسته‌ترین شباهت امام به خورشید پشت ابر، این است که، همان طوری که ابر یک مانع موقت است و هرگز نمی‌تواند دائمی

وجود ظاهری امام در عصر حضور و ظهور نیز به معنای آن است که تمام منافع امام می‌تواند به مردم برسد. حال اگر چیزی مانع رسیدن فیض‌های کامل امام به دیگران شود بدان معنا نیست که وجود او بی‌فایده است. وجود امام در پس پرده غیبت، به همان میزان مفید است که وجود او در زندان‌های حاکمان ستمگر دارای فایده بود. البته بین زندان غیبت و زندان حاکمان مستبد، تفاوت‌های فراوانی است؛ ولی هر کدام به نوعی مانع رسیدن فیض کامل امام به عالم وجود و انسان‌ها می‌شوند.

فشرده سخن این که مسأله غیبت، فلسفه ضرورت وجود امام معصوم (علیه السلام) و برکات ایشان را نقض نمی‌کند؛ زیرا امام معصوم در حال غیبت وجود دارد و فواید او هم به دیگران می‌رسد. فقط بخشی از فواید او است که در اثر تقصیر خود مردم در حال غیبت به آنان نمی‌رسد؛ ولی وجود او حجت را بر همگان تمام کرده است و این، خود مردم هستند که می‌بایست با ایجاد آمادگی لازم شرایط را برای ظهور آن حضرت فراهم کنند.

3- دستگیری و هدایتگری

اگرچه حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف در بین مردم سبب می‌شود که مسلمانان از برکات بیشتری بهره‌مند شوند؛ اما این بدان معنا نیست که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف هیچ گونه هدایت و دستگیری از شیعیان خود در زمان غیبت نداشته باشند.

هدایت‌گری از لوازم امامت است که در زمان تمام ائمه علیهم السلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و هرگز متوقف نشده است و لازمه انجام آن نیز شناخت چهره امام و ارتباط مستقیم با او نبوده و نمی‌باشد. همان گونه که هر مادری به حکم محبت‌ها و مجموعه فداکاری‌های که برای فرزندانش انجام می‌دهد، مادر نامیده می‌شود و معنای مادری در همان رفتارها نهفته است؛ به طوری که بدون آن مجموعه، سِمَت مادری بی‌معناست، صفت هادی بودن برای امام نیز به همین گونه است یعنی اگر امام سمت هدایت‌گری نداشته باشد امامت معنای خود را از دست می‌دهد.

حکایت:

در زمان علامه حلی، یکی از مخالفین از اهل سنت، کتابی در ردّ مذهب شیعه نوشته بود و در مجالس عمومی و خصوصی خویش، از آن بهره گرفته و افراد زیادی را نسبت به طریقه امامیه بدبین و گمراه می‌نمود؛ از طرفی کتاب را هم در اختیار کسی نمی‌گذاشت تا نکند در اختیار علمای شیعه قرار بگیرد و جوابی علیه آن بنویسند. علامه حلی با آن همه عظمت و جلال علمی، به دنبال وسیله‌ای برای به دست آوردن آن کتاب، به مجلس درس آن مخالف می‌رود و برای حفظ ظاهر، خود را شاگرد او می‌خواند و بعد از مدتی به واسطه رابطه استادی و شاگردی، تقاضای دریافت آن کتاب را می‌نماید.

باشد، غیبت امام نیز موقت بوده و ظهور او قطعی است. روزی فرا می‌رسد که امام از غیبت به درآمد و خورشید وجودش طالع خواهد گشت. 5- همان طوری که زوال ابر از جلو خورشید نیازمند وجود وزش باد است تا ابرها را کنار زده خورشید چهره بنماید، ظهور امام و طلعت وجود او نیازمند زمینه‌سازی و بسترسازی است. یعنی اگر بادهای حوادث ما را وادار به بسترسازی برای ظهور نکند و ما اقدامی در جهت برپایی ظهور از خود نشان ندهیم امام ظهور نخواهد کرد چنانچه تا حال ظهور نکرده است.

آن شخص در یک حالت عاطفی قرار می‌گیرد و چون نمی‌تواند دست رد بر سینه او بزند لذا می‌گوید:
من نذر کردم که کتاب را جز یک شب به کسی واگذار نکنم؛ علامه به ناچار می‌پذیرد و همان شب را غنیمت می‌شمرد. آن شب علامه با یک دنیا شعف، به رونویسی آن کتاب قطور می‌پردازد؛ اما همین که شب به نیمه می‌رسد خواب او را فرامی‌گیرد و در همین هنگام، میهمان جلیل‌القدری داخل اتاق او می‌شود و با او هم صحبت می‌شود. پس از مدتی می‌فرماید:

علامه تو بخواب و نوشتن را به من واگذار؛ علامه بی‌چون و چرا اطاعت می‌کند و به خواب عمیقی فرو می‌رود؛ وقتی از خواب برمی‌خیزد از میهمان نورانی‌اش اثری نمی‌بیند. به سراغ نوشته می‌رود و کتاب را می‌بیند که به صورت تمام و کمال نوشته شده و در پایان آن چنین نقشی به عنوان امضا مشاهده می‌شود: **كَتَبَهُ الْحُجَّةُ ابْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ؛ حِجَّتْ خُدا آن را نگاشت.**

4- یاری برخی نیازمندان

جدای از این که در همهٔ حالت‌ها، خود آن حضرت به یاری استمداد کنندگان می‌آید یا این که ملازمان و اولیای او و نیز این که یاری شدن توسط آن حضرت، همراه ملاقات باشد یا نه، شکی نیست که در طول تاریخ غیبت، انسان‌های بسیاری به دست آن حضرت یا ارادهٔ ایشان از سختی‌ها و مشکلات نجات یافته‌اند. طبق نقل مرحوم طبرسی از سوی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نوشته و توقیعی برای شیخ مفید صادر شده است که در آن، نکته‌های ارزشمندی دربارهٔ فایدهٔ یاد شده است. آن‌جا می‌خوانیم:
إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَأَنَّا نَسِينُ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَأَنَّ ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ...؛ ما در رعایت احوال شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را فراموش نمی‌نماییم. اگر این چنین نبود، شر و بدی بر شما نازل می‌شد و دشمنان بر شما چیره می‌گشتند؛ پس تقوای الهی پیشه کنید....

5- امید بخشی

هرگاه گروهی معتقد شود که رهبر آنان در قید حیات و زندگی بوده و پیوسته مترقب فرمان الهی است که از پس پرده غیبت بیرون آید، به طور مسلم ناامید نمی‌شود، وحدت کلمه خود را از دست نمی‌دهد و در حفظ مکتب خویش می‌کوشد.

بنابراین اگر رهبر یک جنبش در میان مردم هم نباشد، وجود واقعی او می‌تواند الهام بخش معنوی و مایه امید، تحرک و یادآوری گردد و اما در مورد این که چرا خداوند امام را در موقع ظهور خلق نکرد، باید گفت: اگر چنین بود، اصولاً عنوان انتظار ظهور مصلح، واقعیت خارجی پیدا نمی‌کرد، زیرا انسان‌ها در انتظار فردی می‌توانند باشند که به زنده بودنش معتقدند و الا نمی‌توان بشریت را به این دلخوش داشت که چند سال بعد ممکن است کسی به دنیا آید که قرار است نقش منجی را ایفا کند. پس آدمیان در شناخت دقایق و ظرایف حیات و برای آنکه در مسیر تکاملی به پیکار برخیزند، لازم است که از وجود رهبری، حتی اگر غایب باشد، الهام گرفته و بهره‌مند گردند.

شیعه طبق عقیده‌ای که به وجود امام زنده دارد، هر چند او را در میان خود نمی‌بیند، ولی خود را تنها نمی‌داند. این تفکر موجب زنده نگه داشتن امید در دل‌ها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای آن انقلاب بزرگ

می شود. پرفسور هانری کاربن می گوید: «به عقیده من، مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهی را در میان خدا و خلق، برای همیشه نگه داشته است. و به طور مستمر و پیوسته، ولایت را زنده و پابرجا می دارد.»

بسم الله الرحمن الرحيم

علامه مجلسی (ره) از قول پدرش نقل می کند که می گفت:

در زمان ما شخص صالح و مؤمنی به نام امیر اسحق استر آبادی (ره) بود که چهل بار پیاده به مکه رفته بود، و بین مردم مشهور شده بود که او طی الارض دارد - یعنی چندین فرسخ را در یک لحظه طی می کرده - در یکی از سال ها او به اصفهان آمد. من باخبر شدم و به دیدارش رفتم. پس از احوالپرسی از وی پرسیدم:

- آیا شما طی الارض دارید؟ در بین ما چنین شهرت یافته است؟

در جواب گفت: در یکی از سالها با کاروان حج به زیارت خانه خدا می رفتم به محلی رسیدیم، که آنجا با مکه هفت یا نه منزل (بیش از پنجاه فرسخ) راه بود. من به علتی از کاروان عقب مانده و کم کم به طور کلی از آن جدا شدم. و جاده اصلی را گم کرده حیران و سرگردان بودم.

تشنگی چنان بر من غالب شد که از زندگی مایوس گشتم. چند بار فریاد زدم:

- یا اباصالح! یا اباصالح! (امام زمان!) ما را به جاده هدایت فرما!

ناگاه شبی از دور دیدم و به فکر فرو رفتم! پس از مدت کوتاهی آن شیخ در کنارم حاضر شد. دیدم جوانی گندم گون و زیبا است که لباس تمیزی به تن کرده و سیمای بزرگان را دارد. بر شتری سوار بود و ظرف آبی همراه خود داشت. به او سلام کردم، جواب سلام مرا داد و پرسید:

- تشنه هستی؟

- آری!

ظرف آب را به من داد و از آن آب نوشیدم. سپس گفت:

- می خواهی به کاروان برسی؟

مرا بر پشت سر خود سوار شتر کرد و به جانب مکه حرکت کردیم. عادت من این بود که هر روز دعای حرز یمانی را می خواندم. مشغول خواندن آن دعا شدم. در بعضی از جمله ها آن شخص ایراد می گرفت و می گفت:

چنین بخوان!

چیزی نگذشت که از من پرسید:

- اینجا را می شناسی؟

نگاه کردم، دیدم در مکه هستم.

امر کردند: پیاده شو!

وقتی پیاده شدم، او باز گشت و از نظرم ناپدید شد. در این وقت فهمیدم که او حضرت قائم (عج) بوده است.

از فراق او و از اینکه او را نشناختم متأسف شدم. بعد از گذشت هفت روز، کاروان ما به مکه رسید.

افراد کاروان، چون از زنده ماندن من مایوس شده بودند، یکباره مرا در مکه دیدند و از این رو، بین مردم مشهور

شدم که من «طی الارض» دارم.

علامه مجلسی (ره) در پایان اظهار می کند که پدرم گفت: دعای حرز یمانی را نزد وی خواندم و آن را تصحیح کردم، شکر خدا که او به من اجازه نقل و تصحیح آن را داد.¹⁰

6- رفع مشکلات

شیعه، عمیقاً معتقد است که امام زمان (عج) در مواردی که صلاح بدانند، به یاری شیعیان خود می شتابد و آنها را از امدادهای غیبی بهره مند می سازد.

میرعلام یکی از شاگردان مقدس اردبیلی چنین می گوید: نیمه شبی در نجف اشرف در صحن مطهر حضرت علی علیه السلام بودم ناگاه شخصی را دیدم که به سمت حرم می رود، به سوی او رفتم چون نزدیک شدم، دیدم استادم ملا احمد اردبیلی قدس سره است خود را از او پنهان کردم. نزدیک حرم مطهر شد در حالی که در بسته بود ناگاه دیدم در گشوده شد داخل حرم گردید و پس از مدتی کوتاهی از حرم بیرون آمد و به سمت کوفه حرکت کرد. به دنبال او روانه شدم به طوری که مرا نمی دید تا آن که داخل مسجد کوفه شد و در نزد محرابی که محل ضربت حضرت امیرالمومنین بود قرار گرفت و مدتی در آنجا درنگ کرد. سپس برگشت و از مسجد بیرون رفت و به سمت نجف روانه شد من همچنان دنبال او بودم تا آنکه به مسجد حنانه رسید ناگفته بدون اختیار سرفه ام گرفت چون صدای مرا شنید برگشت نگاهی به من کرد و مرا شناخت فرمود: میرعلام توهستی؟ گفتم: آری گفت: اینجا چه می کنی؟ گفتم از آن زمان که داخل حرم حضرت علی علیه السلام شدی تا حال با شما هستم شما را به حق این قبر قسم می دهم که سر این واقعه را که امشب از شما مشاهده کردم به من خبر دهید. فرمود: به شرط آن که تا من زنده هستم آن را به کسی نگویی چون به او اطمینان دادم فرمود: گاهی که برخی مسائل بر من مشکل می شود برای حل آن به امیرالمومنین متوسل می شوم. امشب نیز مسئله ای برای من پیش آمد و در آن فکرمی کردم ناگاه به دلم افتاد که باز به خدمت آن حضرت بروم و سؤال کنم. چون به حرم مطهر رسیدم چنان که دیدی در بسته بر روی من گشوده شد. پس داخل شده به خدا نالیدم که جواب آن را از آن حضرت دریابم ناگاه از قبر مطهر ندایی شنیدم که فرمود: به مسجد کوفه برو و از قائم ما سؤال کن زیرا که او امام زمان توست پس به نزد محراب مسجد کوفه آمدم و از آن بزرگوار سؤال کرده و جواب شنیدم و اکنون به منزل خود می روم.¹¹

7- امان بخشی و دفع بلا

مردم بر اثر گناهانی که بر روی زمین مرتکب می شوند مستحق عذاب الهی می گردند اما وجود امام باعث رفع این عذاب می شود به عبارت دیگر وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف برای مردم امنیت به ارمغان می آورد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند: **جَعَلَ اللهُ النَّجْمَ أَمَانًا لِلْأَهْلِ السَّمَاءِ وَ جَعَلَ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانًا لِلْأَهْلِ**

¹⁰. بحار، ج 51، ص 2.

¹¹ - بحار ج 52، ص 174.

الأرض؛ خداوند ستارگان را برای اهل آسمان امان قرار داد و اهل بیت را برای اهل زمین امان قرار داد.^{۱۲}
امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف نیز می فرماید: **وَإِنِّي لَأَمَانٌ أَهْلَ الْأَرْضِ؛** من سبب ایمنی {از بلا} برای ساکنان زمین هستم.^{۱۳}

در جای دیگری حضرت می فرماید: **أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ مِنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي؛** من آخرین جانشین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم هستم و خدای متعال به واسطه ی من بلاها را از خاندان و شیعیانم دور می کند.^{۱۴}

8- دعای امام برای مومنان

طبق روایات متعدد اعمال انسان دائماً به حجت الهی عرضه می شود و امام به حکم مسؤولیتش نسبت به این اعمال نگران است لذا دست به دعا برمی دارد و برای عاقبت به خیری صاحبان اعمال و درخواست عفو و بخشش دعا می کند.

عبدالله بن ابان زیات که جایگاه خوبی نزد امام رضا علیه السلام دارد از آن حضرت درخواست نمود برای او و اهل بیتش دعا کند آن حضرت فرمودند: **أَوْلَسْتُ أَفْعَلُ وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ؛** مگر چنین نمی کنم؟ به خدا سوگند اعمال شما در هر روز شب بر من عرضه می شود.^{۱۵}

در ادامه چون عبدالله بن ابان زیات از فرمایش امام رضا علیه السلام تعجب نمود حضرت در پاسخ فرمود: مگر کتاب خدا را نخواندی که فرمود: **وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ.**

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

¹² - بحار الانوار، ج 27، ص 308، ب 8.

¹³ - کمال الدین و تمام النعمه ج 2، ص 483، ج 4.

¹⁴ - الغيبة، ص 246

¹⁵ - اصول کافی ج 1، ص 220.